



بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که ضرورت دارد این است که ما وقتی به متون دینی مان مراجعه می کنیم، می بینیم آنها در انتخاب اصحاب و یاران و موالیانشان بسیار دقت دارند. یعنی هرکسی را در آن رتبه قرار نمی دهند. اینکه ما سیدالشهدا را دوست داریم، این خیلی امتیاز نیست. همچنین انسان فطرتاً به دنبال کمال است و کمال مطلق وجود نازین سیدالشهداست.

پس ما یک امر فطری را داریم به تجسم و ظهور می رسانیم. اما بحث اصلی این است که آیا امام حسین (ع) هم ما را می پذیرد؟ این خیلی بحث مهمی است در کتاب شریف عیون اخبار الرضا که مجموعی است که روایات و جریاناتی که مربوط به حضرت رضا (ع) است، آنجا جمع آوری شده است.

در کتاب عیون یک قطعه ای وجود دارد. یک طایفه ای از مردم مشرف شدند مدینه و شرفیاب شدند خدمت حضرت رضا علیه السلام در خانه ی امام را زدند. امام برگشتند! در کتاب شریف عیون نوشته است که این اتفاق بین امام و کوبندگان در ۶۰ بار اتفاق افتاد. حضرت پرسیدند: شما چه کسانی هستید؟ می گفتند ما شیعیان شما هستیم حضرت برمی گشتند! تا دفعه ی آخر حضرت فرمودند شما چه کسانی هستید؟ گفتند ما دوستداران شما هستیم. آقا در باز کردند. گفت آقا ما که همان آدم های قبلی هستیم چرا در دفعات قبل در باز نمی کردید؟ حضرت فرمود: شما در دفعات قبل ادعایی کردید که اهلش نبودید! شما گفتید: ما شیعیان شما هستیم. شیعیان ما خصوصیات دارند. این طور نیست که ما هر شیعه ای را بپذیریم این نکته ی حائز اهمیتی است.

در روایات سرنوشت شیعیان خیلی سرنوشت روشنی است. سرنوشت عالی ایست. لکن آن بحث، بحث مصداقی است. آیا من هم شیعه ام؟ بله شیعه بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شود. این امر کلی قضیه است. کبرای قضیه است. حالا صغرای قضیه می گوید: آیا من هم شیعه هستم؟ که دارای آن وظیفه ها و مشمول آن فضائل و خصوصیتهایی که در روایات آمده بشوم؟



می خواهیم راجع به این صحبت کنیم و ضرورت هم دارد. حداقل ما بدانیم رابطه مان با امام عصر(عج) چیست؟ آیا امام عصر(عج) ما راجه اصحاب خودش می داند؟ یا نمی داند؟ ما یکی از دعا هایمان این است که خدایا ما را از صحابه ی ایشان قرار بده. این دعا بخواهیم مستجاب شود باید چه کار کنیم که صحابی امام عصر(عج) بشوم؟ چه اتفاقی باید بیفتد؟ چه سلوکی را در زندگی باید داشته باشیم؟

مکرر روایات را عرض کردم که امام کاظم علیه السلام یا حضرت صادق علیه السلام یکی از این دو بزرگوار فرمودند: "اگر در جایی زندگی کردید که هزار نفر زندگی می کنند، یکی بهتر از شما بود، شما خودتان را به ما منسوب نکنید". یعنی اگر یک کاسبی مسلمان نبود، شیعه نبود، اما در تعاملش با مردم بهتر از شما بود، شما خودتان را به ما منسوب نکنید مادامی که او هست. چرا؟ چون شما نباید باعث سر شکستگی ما شوید. زینت ما شوید در کاسبی تان بهتر از دیگران باشید در اداره بهتر از دیگران باشید. در خانه هایتان بهتر از دیگران باشید. تا بتوانید خودتان را به ما منسوب کنید. حالا ظاهرا یک صحاب هست به نام ابو صباح کنانی رفت خدمت امام صادق علیه السلام. داشت منت سر امام صادق علیه السلام می گذاشت، گفت: آقا چرا شما نشسته اید! ما به خاطر انتساب به شما چه چیزهایی که از مردم نمی شنویم! حضرت فرمود: یعنی چه؟ گفت: آقا اگر یک اختلافی که پیش بیاید هرچه که می فهمند ما جزء یاوران شما هستیم، جزء ارادتمندان شما هستیم، به ما می گویند آدمهای خبیث! حضرت فرمود: یعنی

شما را به ما منسوب می کنند؟ و به خاطر انتساب بد و بیراه به شما می گویند؟ گفت: بله یابن رسول الله! حضرت فرمود: از کجا می دانید که به ما منتسب هستید؟ این را از کجا می دانید؟ بعد این را فرمودند: "قَالَ أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ- لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مَا تَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ وَمَا الَّذِي تَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيَّ فَقَالَ لَا يَزَالُ يَكُونُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الرَّجُلِ الْكَلَامُ فَيَقُولُ جَعْفَرِيَّ خَبِيثٌ فَقَالَ يُعَيِّرُكُمُ النَّاسُ بِئِي فَقَالَ لَهُ أَبُو الصَّبَّاحِ نَعَمْ قَالَ فَقَالَ مَا أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ يَتَّبِعُ جَعْفَرًا مِنْكُمْ إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ اشْتَدَّ وَرَعُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ رَجَا ثَوَابَهُ فَهَؤُلَاءِ أَصْحَابِي" "مَا أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ يَتَّبِعُ جَعْفَرًا مِنْكُمْ..." به خدا قسم چه کم هستند کسانی که از "جعفر(ع)" پیروی می کنند.

امام صادق علیه السلام آن امامی است که در دوره ی زندگی اش می گویند چهار هزار نفر پای درس ایشان بودند.

حضرت می فرمایند: قسم به خدا چه کم کسانی هستند از شما که از "جعفر(ع)" پیروی کنند. "انما اصحابی... " اصحاب من دارای خصوصیتی هستند: مَنْ اشْتَدَّ وَرَعُهُ. شدید الورع و عمل لِخَالِقِهِ عمل کننده برای خدا یعنی عمل ریایی ندارند وَ رَجَا ثَوَابَهُ و امید پاداش از خدا دارد. فَهَؤُلَاءِ أَصْحَابِي اصحاب شدید الورع باید باشند، دارای عمل خالصانه باشند، تا اصحاب جعفر باشند. اینکه آقا من می گویم مثلا فرض کنید، امام صادق(ع) را دوست دارم. امام کاظم(ع) را دوست دارم و برای امام حسین(ع) می میرم این نظر ماست! آیا امام هم این انتساب را قبول دارد یا نه؟

اگر بحث را در یکی دو جلسه بتوانیم جمع کنیم، ان شا الله می خواهیم راجع به این موضوع صحبت کنیم.

اصحاب امام عصر علیه السلام چه کسانی هستند؟ اینها باید یک خصوصیتی داشته باشند راجع به برخی از خصوصیاتشان حالا یا همه خصوصیات یا یکی دو تا از خصوصیات برجسته اش صحبت کنیم. اگر فرصتی داشته باشیم.

یک پیامی امام باقر علیه السلام به عنوان سبک زندگی به دوستانشان می گویند. شما می گویند ما شیعه هستیم شما می گویند ما محب هستیم؟ شما می گویند ما موالیان اهل بیت هستیم؟ امام پیام رساند امام باقر علیه السلام به شخصی به نام خیثمه. برای خدا حافظی شرفیاب محضر حضرت باقر علیه السلام می شود. امام این نکات را به او می فرماید: "ابلق موالینا السلام، و اوصهم بتقوی الله العظیم، و اوصهم ان يعود غنیهم علی فقیرهم، و قویهم علی ضعیفهم و ان یشهد حیهم جنازه میتهم، و ان یتلاقوا فی بیوتهم، فان فی لقاء بعضهم بعضا حیوه لامرنا، ثم قال: رحم الله عبدا احیا امرنا، یا خیثمه، انا لا نغنی عنهم من الله شیئا الا بالعمل، و ان ولایتنا لا تدرک الا بالعمل، و ان اشد الناس حسره یوم القیمه رجل و صف عدلا ثم خالف الی غیره"

هر کسی از دوستان ما را که دیدی سلام من را به آنها برسان " و اوصکم بالتقوالله العظيم" به آن ها توصیه های من را برسان؛ تقوای الهی را رعایت کنند. "غنیهم علی فقیرهم" اغنیا حال فقرا را پپرسند، "و قویهم علی ضعیفهم". آنهایی که توانمندند دستگیری کنند از ضعف. اغنیا یعنی کمک مالی توانمند یعنی کمک آبرویی. یک موقع هست باید به یک کسی پول بدهی. تعبیر به غنی می شود. یک کسی را باید کمک کنیم، استخدام شود، این توانمند است. تفاوت دارد این سه تا. "و ان یشهد حیهم جنازه میتهم" به تشییع جنازه ی اهل ایمان بروید اگر می گویی من موالی امام باقر(ع) هستم تشییع جنازه رفتن اهل ایمان از علائم موالیان است " و ان یتلاهاوا فی بیوتهم" و به زیارت یکدیگر درخانه هایشان بروید "بعضهم بعضا" که این ملاقات شما از یکدیگر احیاء امر ماست " و رحم الله احیا عبدنا" رحمت خداوند بر آن کسی که امر ما را احیا کند.

حضرت فرمودند: موالینا به دوستان ما بگو "انهم من الله شیئا الا لعنمل" به این دوستان ما بگو به صرف دوستی ما شما نمی توانید نزد خداوند، بی نیاز شوید دوستی ما درکنار عمل است. باید عمل داشته باشیم.

ما امام حسین را دوست داریم حالا هرچه شد، شد ما امام عصر را دوست داریم هرچه شد نه! حضرت می فرمایند: "لا نعنای عنهم من الله شیئا الا وعمل" ما آنها را از درب خدا بی نیاز نمی کنیم مگر در سایه عملش به صرف دوستی ما نمی توانند اتکا کنند "وانهم لن ینالو ولایتنا الا من ورع" به ولایت ما هم نمی رسند مگر در سایه ی ورع "و ان اشد الناس حسرة یوم اقیامه ثم خالفوهو الی قیامه" و بیشترین حسرت خورندگان در روز قیامت کسانی هستند که عدالت را توصیف می کنند ولی عادل نیستند. حضرت می فرماید: حالا که می خواهند خودشان را به ما منتسب کنند، خصوصیت دارند این طور نیست که هر کسی بتواند بگوید من عاشق امام زمان هستم کفایت نمی کند.

حتی عدالت را دوست دارند ولی عادل نیستند. خیلی در قیامت حسرت می خورند حالا عدالت در زندگی هست عدالت در شئون مختلف هست. قضاوت هست. مثلا فرض کنید یک اختلافی بین دو رفیق پیش می آید. حالایی که راما به او بیشتر تمایل داریم وحق هم با او نیست خب چه کار باید کنیم؟ اگر عدالت را بخواهم اجرا کنم رفاقتم بهم می خورد. رفاقت باید بهم بخورد یا قیامت حسرت نشود؟ پس آنها نمی گویند به صرف دوست داشتن ما مثلا فرض کن شما از ما هستید. حضرت بیانیه فرستادند. باید این گونه باشید و دم زدن به خوبی ها ولی به خوبی ها مبادرت نکردن شما را از ما قرار نمی دهد. حالا ببینیم اصحاب امام عصر علیه السلام چه کسانی هستند؟ "اللهم عجل لولیک الفرج وجعلنا من اصحابه". خدایا ما را از اصحاب ایشان قرار ده. چه کار باید بکنیم؟ چه کار باید بکنیم که اصحاب امام عصر باشیم؟ این را بینندگان عزیز بدانند که دست نایافتنی نیست. جزء ۳۱۳ نفر شدن دست نایافتنی نیست یک مقدار سخت است. ما متاسفانه یک اتفاقی در سلسله مباحث حضرت حجت افتاده ، می گوئیم مشکلات را خود حضرت حل می کنند وظیفه ی ما چیست؟ حضرت وقتی می آیند با ۲۱۳ نفر کار می کنند خب امکانش است که جز ۲۱۳ نفر شویم؟ ما فکر می کنیم یک است که نمی توانیم جزء آن ۲۱۳ نفر شویم و تلاشی هم نمی کنیم. اصحاب قائم چه کسانی هستند؟ می خواهیم راجع به این صحبت کنیم. یعنی به

هر صورت احتمال اینکه ما جزء یاران امام عصر باشیم. حالا جزء آن ۳۱۳ نفر اگر که شاخصه ای اصحاب هستند ما نمی توانیم بالاخره جزء بقیه ی آنها که می توانیم باشیم. حداقل این طور باشد که بیگانه نباشیم طوری نباشد که امام بگوید شما دم از من می زنید من که دم از شما نمی زنم شما شباهتی به من ندارید. چه شباهتی به من دارید؟ امام صادق (ع) فرمودند: "ان لصاحبهاذا لامر غیبه" برای این کسی که قیام را قرار است انجام دهد یک غیبتی وجود دارد. "فالتیق الله" تقوای الهی پیشه کند، بنده ی الهی. "والیتمسک بدینه" تمسک به دین یا آن آقا داشته باشد اصحاب دو خصوصیت دارند تمسک به دین و تقوای الهی. بعد امام ادامه می دهند "و الیتمسک فیها بدینه للقتاد" متمسک بودن به دینی که امام عصر بر آن است در دوره ی غیبت مانند این می ماند که دستت را بکشی روی درخت قتال درخت قتاد درختی است که خارهای خیلی بزرگ و درشتی دارد. دستت را بکشی روی آن. شما با کاکتوس مقایسه نکنید تیغه های بزرگ و درشت و حضرت می فرمایند چه کسی چنین طاغتی را دارد؟ بنابراین اولین وظیفه ی ما این است که دنبال این معنا برویم دین که امام عصر علیه السلام بر آن استوار است تا ما به آن تمسک کنیم چه می گوید؟ و شرط ورود به دین بحث تقوای الهی است باید تقوا داشت. اول به طور منطقی اگر بخواهیم بحث کنیم باید سه جهت را راجع به تقوا مطرح کنیم. بینندگان عزیز اگر پای بحث بنشینند مطالبی را پیرامون تقوا می شنوند که شاید به این صورت برایشان تا کنون مطرح نشده است. سه جهت را گفتیم راجع به تقوا مطرح است: ۱) چه برکاتی دارد تقوا؟ منافع تقوا در زندگی دنیا و آخرت چیست؟ این خیلی مهم است. اهل تقوا چه برکاتی برای آنها عائد و واصل می شود؟

۲) معنا شناسی تقوا شناسی یعنی چه؟ اوصیکم بنقوا گفت توصیه می کنم شما را به تقوای الهی. یعنی به چه امری من شما را توصیه می کنم؟ سومین بحثی که به طور منطقی می توانیم پیرامون تقوا مطرح کنیم این است که تقوا علامتی دارد. اهل تقوا نشانه هایی دارند. متقین خصوصیاتى دارند. صدتای آن را امیرالمؤمنین در خطبه فرموده حالا آن صدتا را شیره کشیده بکنیم بخواهیم سه تایی مهم آن کدام است باز از خود امیرالمؤمنین که آن صدتا را چکیده و mp3 کرده حضرت این سه تا از همه مهمتر است. پس ما اشاره به آن سه تا می کنیم. اشاره به معنا می کنیم و قبل از اینکه ما بخواهیم معنا و آن علائم را بیان کنیم بحثی را که مطرح می کنیم برکات و اینکه منافع تقوادر زندگی دینا و آخرت ما چه چیزی هست؟

خصوصیات اصحاب امام عصر را اما من خصوصیات یک افراد خاص را نمی خواهم بگویم خصوصیاتى که باید همگی مان داشته باشیم تا اصحاب باشیم. مگر ما دعای عهد نمی خوانیم؟ نمی خواهیم در مورد ۳۱۳ نفر که غیر ما هستند صحبت کنم درباره آن ۳۱۳ نفر که می توانیم باشیم! ما در دعای عهد که می خوانیم صبح ها به امام داریم تعهد می دهیم "ما را برگردان" باید این خصوصیت را داشته باشیم تا ما برگردیم به صرف "خواندن" که بر نمی گردیم پس ما راجع به یک سری افراد خاص صحبت نمی کنیم راجع به یک سری خصوصیاتى صحبت می کنیم که می توانیم متصف به آن خصوصیات بشویم بشویم آن افراد خاص. یک مقدار هم ممکن است که بینندگان عزیز فکر بکنند که سخت است من همواره گفتم

سخت است شما این جمله را از امام دارید دیگه که ایشان فرمودند استاد ما فرمودند که : "ملا شدن چه سخت است، آدم شدن محال است" محال است که نمی خواهم بگویم اغراق آمیز، اما بالاخره بله! دست نا یافتنی نیست. بگویم آدم نمی شود خب ولش کنیم ما را خلق کرده است که آدم بشویم. یعنی از حالت خصوصیات حیوانیمان فاصله بگیریم و این بداست. ما می خوریم، می خوابیم، زایش داریم یک حرکت های روزمره داریم خب این را حیوانات هم دارند. می خورند، می خوابند، زایش دارند یک حرکت روزمره دارند. تفاوت به این است که ما یک انسانی بشویم که یک چهره ی ملکوتی پیدا بکنیم. اصلاً ما را برای همین خلق کردند. "جاعل فی الارض خلیفه" و گرنه ما در هدف آفرینش ابرتر می شویم. کمی باید جدی بگیریم زندگی را، به روزمرگی نگذرانیمش. نمی خواهم مردم را بترسانم ولی خب بالاخره بد است که ما محشور بشویم در قیامت مثلاً به امام صادق گفتند که آقا شما ما را شفاعت می کنید فرمودند: "شما آدم محشور بشوید من شما را شفاعت می کنم" یعنی امکان اینکه انسان آدم محشور نشود وجود دارد؟! این را به کسی می گویند که خود قائل به شفاعت است. یعنی این خارج از محدوده ی اسلام و مسلمین نیست. اما فرمودند که شماها آدم محشور شوید ما شما را شفاعت می کنیم. اینها نشان دهنده ی این است که زندگی دنیا کمی سخت است. ما مسلمان هستیم ولی برا سلمان بودن خلقمان کردند. الگوی سلمان یک الگوی غیر معصوم است. ما امیر المؤمنین نمی توانیم بشویم ممکن است مردم بگویند دست نایافتنی ست ولی سلمان چه؟ سلمان که دیگر معصوم نیست! ابوذر چه؟ ابوذر که دیگر معصوم نیست! ولی سلمان در این مسیر به جایی رسید که پیغمبر(ص) به او مدال داد نه اینکه من به شما بگویم ولیّ خدایی، اینکه من به شما بگویم ولیّ خدایی من شما را می برم بالا بعد من هم که رفیق شما هستم من هم بالا می آیم! اما وقتی مدال را اولیای الهی خدا و پیغمبر می دهند. پیغمبر به سلمان فرمود: "منا اهل البیت" یعنی یک آدم غیر معصوم می تواند به شبیه ترین فرد معصوم برسد. می تواند این کار را بکند اینچور نیست که نشود. نشدنی نیست لقبی که پیغمبر داده ما یینطق عن الهوی. از هوی و هوس حرف نمی زند پیغمبر! وجود نازنینش مسیر جناب سلمان را تایید کرده است. چند سال دنیا را یک مقدار تحمل می کنی اما ابد الابد سلمان بودن است دیگر. ما کی به زندگی رو می کنیم حسرت نمی خوریم. زندگی ما در قیامت حسرت است. خوب ها حسرت می خورند بد ها هم حسرت می خورند. مثال می زنم کاروانی با یک رئیس کاروانی شب از یک محلی رد می شدند ظلمت محض بود رئیس کاروان گفت هیزم های زیر پاهایتان را جمع کنید عده ای جمع کردند عده ای جمع نکردند و رد شدند ولی وقتی که رسیدند به نور همه حسرت خوردند دیدند که آن نور، الماس است آن هایی که هیزم جمع نکرده بودند گفتند: باختیم! آن هایی که جمع کرده بودند گفتند: چرا کم جمع کردیم کاش بیشتر جمع می کردیم! پس ۱. در مسیر هدایت اهل بیت نیازیم بازنده نباشیم ۲. حسرت کم خوب بودنمان را هم نخوریم در قیامت .

بیشتر انسان ها برای زندگی شصت، هفتاد ساله ی دنیا بهترین برنامه هارا دارند اما برای آخرت هیچ برنامه ای ندارند و حال آنکه آخرت را از این هشتاد سال دنیا می سازیم آنجا (قیامت) دیگر کاری نمی توانیم بکنیم آنجا چیزی برای ارتقاء وجود ندارد ارتقاء در اینجا است و چه خدای مهربانی که هشتاد سال را

ضربدر ابدیت می کند بی نهایت می کند چه خدای مهربانی! برای خوبی های هشتاد ساله ی شما ابدیت را می دهد برای بدی ها ابدیت را نمی دهد. یک مدتی. مگر یک عده ی کمی دیگر ظرفیتشان را از دست می دهند و دیگر لیاقتی ندارند برای ارتقاء پیدا کردن ولی بنابراین می خواهیم ان شا الله خصوصیت های خودمان را بگوئیم نه خودمان، می خواهیم دارای این خصوصیات بشویم. برنامه بریزیم چشم انداز ما این باشد ما می خواهیم این بشویم در دنیا. تا بشویم اصحاب امام عصر علیه السلام تا لازم نباشد که چهل شب جمعه بروم جمکران! تا اینکه امام عصر در بزند بگوید من آمده ام دیدنت! این اتفاق ها می افتد فکر نکنید نمی افتد منتها آنها که اهلش هستند حرفش را نمی زنند. اما این اتفاق ها می افتد. امیر المؤمنین حاکم جهان اسلام است میثم می آید می گوید آقا می آید دم درب مغازه ام بایستید؟ حضرت دم درب مغازه ی میثم ایستاد این سیره سیره ی مقبوله ی امام عصر علیه السلام است یعنی امام عصر هم این کار را می کند. منتها میثم کار داشت مغازه را رها کرد امیر المؤمنین جای میثم ایستاد! میثم از امیر المؤمنین خواست امام هم قبول کرد. این سیره سیره ی حضرت ولی عصر هم هست. یعنی امام عصر هم این کار را می کند منتها این میثم؟! میثم کجاست یعنی اگر میثم بشوی امام عصر احوالپرسی می کند این ها چیز های دست نا یافتنی نیست اما سخت است، سخت است برای کسانی که تا به حال راجع به این موضوع اینگونه فکر نکرده اند امام عصر مثل جناب یوسف در جامعه است منتها باید به حریمش راه پیدا کرد و "لا یمسک الا مطهرون" و بدون حریم راه پیدا نمی کند مگر اهل طهارت. ما می خواهیم اهل طهارت شویم. ما می خواهیم این خصوصیات را برای خودمان زنده بکنیم. به امام صادق گفت: ما به خاطر انتسابمان به شما خیلی بدو بیراه مردم شنیدیم. امام فرمود: از کجا مطمئنی که به ما منتسب هستی؟ کجا این اطمینان را داری؟ حالا اگر امام عصر بفرماید تو از کجا می دانی که با من هستی؟

امام صادق فرمودند کسی بخواهد اصحاب مهدی ما بشود یک خصوصیت دارد: پیشینه و تقوا و یک خصوصیت اصلی تمسک به دین امام عصر. پس لازم است که برویم دین امام عصر را بشناسیم دین امام عصر ۹ پایه دارد دینی که امام عصر بر آن استوار است ۹ پایه دارد. و ما باید تمسک به آن دین بکنیم منتها مقدمه ی این تمسک تقواست. مؤمن تقوا را نباید دست کم بگیرد شاید زیاد شنیده باشید اما از مضرات زیاد شنیدن این است که برایمان عادی می شود ولی نه تقوا امر عادی نیست. تقوا پیش شرط تمسک به دینی است که امام عصر علیه السلام به او هست. برای اینکه بخواهیم از اصحاب او باشیم باید تمسک کنیم یعنی ۹ پایه دین امام عصر. ما چیز رؤیایی نمی گوئیم چیز تکراری هم نمی خواهیم بگوئیم حداقل زاویه ی دید افراد را تغییر دهیم. تقوا یک امر خارج از فضا نیست اینکه بگوئیم حضرت ۲۱۲ نفر را دارند و آنها اهل تقوا هستند و بس خیر ما می خواهیم جزء آن ۲۱۲ نفر باشیم چه باید بکنیم؟ حالا جزء طبقه ی اول اصحاب نه جزء طبقه ی دوم باشیم.

تمسک به دین امام عصر: که دین امام عصر ۹ پایه دارد یعنی ۹ اصل دارد. ۹ رکن دارد مقدمه ش تقواست. برای تشویق افراد به سوی تقوا من یک منافعی را از قرآن و روایات بیان می کنم. اولین چیزی را که تقوا موجب می شود افزایش برکات زمین و آسمان است در سوره ی مبارکه ی اعراف آیه ی ۹۶ فرمول

اداره ی اهل ایمان به بیان حضرت حق، اهل ایمان چگونه اداره می شوند؟" و لو أن اهل القرى آمنوا "اگر مردمان دیارها ایمان بیاورند، واتقوا و تقوا پیشه کنند" لفتحنا عليهم برکات من السماء و الأرض" ما برکات آسمان و زمین را بر آنها نازل خواهیم کرد پس اهل تقوامتنعم به برکات آسمان ها و زمین است. یکی از ویژگی های دوره ی ظهور امام عصر علیه السلام همین است. زمین هیچ بخلی در رویش ندارد آسمان هیچ تنگی ای دربارش ندارد به حدی نعمت ها زیاد می شود که کشاورز ها آنچه را که لازم بوده فروخته اند آنچه را که لازم بوده انفاق کردند باز باقی مانده! چرا : " و لو أن اهل القرى آمنوا " ۹۶ سوره مبارکه اعراف. اگر ما همین امروز اهل تقوا بشویم هیچ دری بسته نیست برکات آسمان و زمین همواره خواهد بود. حضرت رسول اکرم(ص) همین آیه را به شکل حدیث بیان می کنند " من رزق التقی" کسی که تقوا روزی اش بشود، رزق خیر الدنیا و الآخره بهترین های دنیا و آخرت روزی اش می شود. دومین منفعتی که تقوا پیشه گی دارد، آسان شدن مشکلات است. سوره ی مبارکه طلاق آیه ۲ و " إن یتق الله یجعل لهم مخرجا" هیچ بن بستى برایش نیست اگر تقوا باشد. هر کس تقوای الهی را پیشه کند در کارش آسانی پدید می آید. إن مع السر یسرا فرمول. اهل تقواست سختی لازمه ی زندگیست سختی انسان را به تکامل و کمال می رساند اهل تقوا دارای بینش هستند در هیچ ظلمت و تاریکی و ضلالت و گمراهی باقی نمی ماند سوره مبارکه انفال آیه " ۱۲۹ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوای الهی پیشه کنید شما ممیزی بین حق و باطل را پیدا می کنید" این حق و باطل در حوزه ی اعتقادات هست این حق و باطل در حوزه ی فکر صحیح و باطل هست عقیده صحیح و باطل هست عمل صحیح و باطل هست حرف صحیح و باطل هم هست ما گاهی اوقات دو عمل بهمان پیشنهاد می شود هر دو هم خوب است نمی دانیم کدام را انتخاب بکنیم اهل تقوا می توانند آن را انتخاب کنند اهل تقوا بینش پیدا می کنند. خوب و خوبتر را تشخیص می دهند. می گوید اگر بروم سراغ این کار خوب دنیایم را تصحیح کردم. آخرتم را باطل کرده ام. یک کار خوب آخرتم را آباد می کند. دنیایم را به روال می اندازد ای خصوصیات اهل تقواست. پس به یک بینش می رسد که می توان د بین حق و باطل تمیز دهد. کاری که ما غالبا نمی توانیم بکنیم. یکی دیگر از منافع را هم بگویی و آن این است که خداوند تنها عمل اهل تقوی را می پذیرد سوره ی مبارکه مائده آیه ی ۲۷ انما از ادات حصر است یعنی این است و جز این نیست که خداوند عمل اهل تقوا را می پذیرد. یک قطعه ای مربوط می شود به دوران امام صادق علیه السلام البته وقت بیانشو اما اگر شما بخواهید یک انفاق مالی داشته باشید، اگر از مال خودت بود خدا می پذیرد. ولی اگر از بیت المال بود خدا نمی پذیرد من سه هزار میلیارد را بردارم بگویم مثلا می خواهم انفاق کنم نمی پذیرد خدا. انما یتقبل الله من المتقین عمل فقط از اهل تقوی پذیرفته می شود. آنوقت در این راستا مردم نگران نباشند از اهل تقوی شدند قلیلشان را هم امام صادق می فرماید پذیرفته می شود ان قلیل العمل مع التقوی خیر من کثیرالعمل بلا تقوی عمل کم ولی با ر مبنای تقوا. پس ما باید بروی مبه سوی تقوا و عمل در سایه ی تقوا. نه کثرت عمل ولو بدن تقوا. عمل بر مبنای تقوا پذیرفته می شود. اگر تقوا داشته باشید قلیل العمل از ما پذیرفته است ان قلیل العمل مع التقوی کثیر العمل بلا تقوی. عمل کم ولی با تقوی بهتر است از عمل زیاد ولی بدون تقوا. معلوم می شود. که تقوا یک حقیقت بستری است، زمینه ایست آن باید باشد



تا عمل عمل بشود. یعنی یک نماز ظهر و عصر عادت و اجبات عادت مثلا نماز و ابات را همراه تقوا باشد بهتر از این است که تو تمام ماه رجب و شعبان را روزه بگیری سالی دو سه مرتبه عمره بروی روضه خوانی داشته باشید. سیاه پوشی داشته باشید. سینه چاک اهل بیت شوید. ولی اهل تقوا نباشید. تقوا مثالی که بتوانیم حدیث از امیرالمومنین علی علیه السلام بخوانم که به نظر من در بیان تقوا این حدیث نظیر ندارد

هو خطالماکان به شیتقوای در زندگی یعنی چه؟ یعنی عمل تو بگذارند روی داریه بین مردمن دنیا چرخاندن تو خجالت نکشی این می شود زندگی با تقوا. فکر می کنم بهترین ملاک را حضرت داده است. زندگی تو بیاید روی داریه هیچ پوششی هم نداشته باشد و همگان ببینند. وبعد هم بین مردم دنیا بچرخانند. من در واقع خجالت زده و شرمنده ی از این زندگی ۷۰ ۸۰ ساله در دنیا نبوده باشم نه اینکه داخل موبایلم چیزی نباشد. موبایلم یک ابزار است زندگی ام داخلش چیزی نباشد. که خجالت بکشم الان این بفهمد چه می شود؟ که اگر زندگی عریان شد شرمندگی وجود نداشته باشد. حالا انش الله خدا کمکمان کند شاید بدون کمک خدا به هیچ جایی نمی رسیم. جهت زندگی را پیدا کنیم. تقوا جهت زندگی است تقوا یک چیز آرمانی و دست نیافتنی نیست. اگر نباشد جهت ندارد زندگی ما وقتی ما جهت زندگیمان را مبنایش را تقوی قرار دهیم آن وقت زندگی شکل پیدا می کند تقوا چیز آرمانی نیست باید در زندگی ما باشد. امیرالمومنین زندگی اش این گونه بوده است. حضرت امام حسن زندگی اش این گونه بوده است. حالا آنها در ردهی معصومین. افراد پایین تر. اصحاب خاصشان. آن هفتاد و دونفر زندگیشان چه طور بوده است؟

ان شالله خداوند به حق امین تقوا وجود نازنین امیرالمومنین عنایت ویژه اش بر ملت ایران آن چنان باشد که ما بتوانیم متصف به اخلاق خوب و صفت مهم تقوا باشیم.